

در مناظره چهارم و پنجم نامزدها پایگاه رای خود را ثابت نگه داشتند

# روز تثبیت آرا



زهرا طیبی

خبرنگار گروه نقد روز

مناظرات انتخابات به ایستگاه پایانی رسید. در میان این مناظرات

## سیدحسین شهرستانی درگفت وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

# ۵ مناظره بدون گفتار سیاسی منسجم

می‌داند، یعنی ترکیبی ازسیاست های راه‌فا‌هی، راست و چپ بودند. اما هیچ مانیفست روشن و گفتار مشخصی در این حوزه‌ها وجود نداشت، بنابراین فهم نژاد به خوبی روشن نشد، به نظرم رای مردم از درون این مناظرات، رای شفاف و روشنی نیست، باتوجه به اینکه پزشکیان ویژگی‌هایی که از خودش در مناظرات نشان داد، چه ادبیاتش و چه رفتارش؛ به خوبی بدنه رای خاص او را نمایندگی نمی‌کند.

**مناظره پنجم قنذر نوانست در روشن شدن فضای رقابت هاتش ایفا کند؟**

چندمساله است، یکی اینکه نامزدها حرف‌هایشان به خاطر تعداد بالای مناظره‌ها تمام شده بود. همچنین این نامزدها آنچنان حرف خاصی برای گفتن نداشتند و شخصیت‌های سیاسی میانه‌ای هستند. خیلی نمی‌توانند فضای جدید خلق کنند و گفتار مشخص سیاسی هم ندانند؛ چراکه در حوزه سیاست خارجی نقاط نزاع در سیاست کشور روشن است، اما همان‌طور که گفته‌ام در مساله اقتصادکه مهم‌ترین موضوع کشوراست و بیش‌تر های قابل توجهی را به آن اختصاص دادند، واقعاً ۲۱ یا ۲۲ دیگه‌ها هم مقابل هم‌دیگر نبودند. همه حرف‌های واحدی می‌زدند. انگار که چند طرح اقتصادی پرکننده وجود دارد که هرکدام از نامزدها می‌تواند از آنها به عنوان سالاد انتخاب کند و درنهایت هم سر سفره مباحثش، آن را رها کرد. خبلی نقاط نزاع گفتارهای سیاسی مشخص نبود و گفتاری وجود نداشت که بتواند نقاط نزاع درست کند و بحث جدی بیافریند، تنها جایی که نزاع سیاسی نقاط منفی خودش را آشکار کرد، بحث سیاست خارجه بود. حوزه‌های دیگر این‌گونه نبود. مثلاً بحث‌هایی مانند تقدینگی یا دلارزدایی، اصلاً در مناظرات نمود نداشت؛ چراکه به هر حال همه سیاست‌ها خوب نیستند و بالاخره با سیاست‌های دیگر تعارض دارند. همه برنامه‌های اقتصادی قابل جمع نیستند و همه وعده‌ها قابل انجام نیستند. این‌ها خود را در گفتار نشان می‌داد، اگرچه پشت پرده هرکدام از این‌ها کلیه‌های قابل قدرت و منفعت وجود دارد اما حتی آن‌هم معشوش است و منافع مشخص نیست. لذا بحث شکل نمی‌گیرد، چون دیدگاه‌ها یا ایستارهای مشخصی روی همه به صف‌آرایی نکردند که سر یک نقطه مشخصی یا یکدیگر نزاع کنند و بحث پیش روند،ای داشته باشند. این نکته اصلی بود، جدا از اینکه بحث‌شان تمام شده بود، البته اینکه بحث‌ها تمام شده بود به خاطر این بود که اساساً از ابتدا موضوع بحث و بررسی درست تعیین نشده بود.

**به صورت جزئی‌تر تحلیل شما از اظهارات و کنش نامزدهای انتخاباتی در این چند مناظره و به خصوص مناظره آخر چیست؟ آیا نتوانستند آن‌طور که باید ایلی جذب کند یا حتی ریزش رای داشتند؟**

قالبیاف و جلیلی هر دو قوی نبودند، جلیلی فقط در حوزه سیاست خارجی خوب ظاهر

۶ از نامزد انتخابات صحبت کرد. برای بررسی بیشتر روند ۵ مناظره انتخاباتی برگزار شده با سیدحسین شهرستانی، جامعه‌شناس و پرویز امینی، استاد دانشگاه گفت‌وگو کردیم. شهرستانی معتقد است فضای انتخابات خبیلی سیال و شناور است و روند‌ها روشن نیست. او از

احتمال ائتلاف هم سخن گفت اما تاکید کرد ممکن است ترکیب فعلی تغییری نکند. پرویز امینی نیز معتقد است که غیر از مناظره چهارم سایر مناظرات نتوانست انتظاره را از مناظره واقعی برآورده کند. متن کامل این گفت‌وگوها را در ادامه می‌خوانید.

سیاست جایگاه پیدا میکنند. همیشه باید فضا را درکال کنند تا بتوانند موقعیت آفرینی کنند ولی پزشکیان به این سمت نرفت و برخلاف نظر کمپینر و کسانی که پشتیبان او بودند و صحبت‌ها را طراحی می‌کردند، دالما از رهبری و از چهارچوب‌های نظام اسم می‌آورد. درحالی‌که آنها رایشان همواره چهارچوب‌شکانه و ساختارشکنانه است و از انرژی که در ساختار شکنی آزاد می‌شود، می‌خواهند کسب‌رای کنند. پزشکیان به این سمت نرفت و پایش را روی این پدال گاز نگذاشت، اگرچه تا حدی این کار را کرد. البته نامزدها اصولاً گرا هم به وضع موجود انتقاد می‌کنند، ولی در این مسیر متعادل پیش رفت. این باعث می‌شود بخشی از بدنه رای آن طرف را از دست بدهد و بخشی از بدنه رای این طرف را جذب خود کند. رایبی که الان مردم می‌دهند باتوجه به اینکه ایشان نهج البلاغه می‌خواند و فضای دینی داشت و فضای سکولار را چندان نمایندگی نکرد، نمی‌شود این رای را خیلی نماینده نزاع‌ها و کلوب‌های سیاسی کشور دانست. رای سیالی است، خط‌کشی‌های مردم با خط‌کشی‌های سیاسی ما به کلی متفاوت است. مناظرات برای این است مردم نقاط نزاع را بفهمند، اما مناظرات این کار را نکرد. هم به خاطر اینکه گفتارهای سیاسی آنها در بعضی نقاط روشن نیست و خودشان هم آگاهی ندارند، هم به این خاطر اینکه پزشکیان چنین نقشی بازی کرد و فضا را درکال نکرد. بنابراین نتیجه چندان پیش‌بینی‌پذیر نیست.

**با نگاه به این ۵ مناظره، رای مرده‌ها توانست به سمت نامزدی حرکت کند و تثبیت شود؟**
از بین کسانی که برای شرکت یا عدم شرکت مردم بودند یا تحریمی بودند، شاید چیزی به انتخابات اضافه نشود. حد مشارکت خیلی بالاتر می‌رود. ولی بین کسانی که قصد شرکت داشتند و بین این نامزدها مردم بودند، شاید مقداری مساله روشن شده بود. شاید بخشی از رئیس‌ای را دوست داشتند و می‌خواستند تجربیاتی ایجاد شود، تکلیف‌شان روشن‌تر شد. مناظره چهارم مقداری فضا را روشن کرد اما مناظره پنجم همچنان مبهم بود.

**در درون بدنه اصولگرایی اظهاراتی از کنار رفتن یا نرفتن برخی نامزدها مطرح می‌شود. به نظر شما تصور مطلوب کنار رفتن کدام یک از نامزدهاست؟**

برای خود من خیلی شفاف نیست. چون آنقدر بحث‌ها مبهم و مجمل پیش رفت و نقاط نزاع روشن نشد که باید نتیجه نظرسنجی‌ها بیاید و بحث شود. برخی از این مراکز نظرسنجی می‌گفتند اگر الان نظرسنجی کنیم، یک ساعت دیگر نتیجه متفاوتی داریم. این نشان می‌دهد فضا خیلی سیال و شناور است. حتی روندها روشن نیست، البته احتمال ائتلاف وجود دارد اما ممکن است ترکیب فعلی تغییری نکند.

# علت بالا بودن آرای مرددین در انتخابات پیش رو چیست؟

**مناظرات هم تمام شد و حلال‌در این چند روز باقی‌مانده تا انتخابات وارد یک فضای جدیدتری می‌شود. در ارتباط با این دو مناظره آخر، دیدش خیلی‌ها داد اعان داشتند که مناظره چهارم تقریباً شبیه مناظراتی شد که انتظارش را داشتیم و مدل متفاوتی با مناظرات قبلی داشت؛ اما امروز ظاهراً دوباره عقبگردی به مناظرات قبل‌تر از خودش داشت و انتظارت در آن‌ حدی که مدنظر بود برطرف نشد. به‌صورت کلی ارزیابی شما خصوصاً در ارتباط با دو مناظره آخر چیست؟**

مناظرات درواقع جای بحث‌های صرفاً کارشناسی نیست چون در میگرد و اجایی که گفت‌وگوهای مستقیم با مردم هست یا در گفت‌وگوی ویژه خبری بحث کارشناسی انجام می‌شود. مناظرات جایی است که همه نامزدها حضور دارند و فرصت مناسبی در بخش‌های مختلف دارند. آنها باید بتوانند، به فضای هیجان اجتماعی کمک کنند. یعنی از طریق تبادل رای‌آرایی‌ها، نقاط اختلاف و چالش پیش می‌آید بتوانند یک فضای اجتماعی بسازند و بعد هم بتوانند نقطه ترجیح را شکل بدهند که فراز است در این انتخابات، مابین چه چیزهایی انتخاب کنیم. نامزدها باید نقطه نزاع در انتخابات را بسازند. به نظر من غیر از مناظره چهارم که به مناظره واقعی نزدیک بود دیگر مناظرات درواقع آن کارکرد اصلی مناظره را نتواند بیاورد، یعنی مناظره چهارم استثنایی بر قاعده بین این پنج مناظره بود و نتوانست آن انتظاراتی را که مخاطب از مناظره واقعی دارد برآورده کند.

**ما شش کاراکتر در این مناظرات داشتیم که در گفت‌وگوی قبلی اشاره کردیم، سه کاراکتر خوب که جدی‌تر از بقیه در فضای انتخابات قابل بحث و بررسی بودند اما اگر بخواهیم این مناظرات را فردیه فرد بررسی کنیم و سهم هر کسی از این ایجاد نقطه نزاع یا مدل مواجعه یا مدل حضورش در مناظره را مورد توجه قرار دهیم هر کدام از نامزدها چقدر نتوانستند از فرصت مناظره استفاده کنند؟**
در بین این شش نامزد کسی که بیشترین پتانسیل و بیشترین استعداد را برای بهبوداری از کمپین انتخاباتی بعد در مناظره‌ها داشت پزشکیان بود. به این دلیل که ایشان یک چهره دروغ‌ناشناخته بود و می‌توانست از طریق این سازمان رقابت و سازمان تبلیغات‌اش در انتخابات چهره خود را معرفی کند، یعنی استعداد بیشتری داشت و با استفاده از ظرفیت‌های فراوان که در رسانه ملی برایش ایجاد شد می‌توانست به عنوان یک حرکت و به جلو از آن استفاده کند ولی به نظر من پزشکیان در عین این که بیشترین فرصت و امکان را برای پیش‌بردن کمپین انتخاباتی‌اش داشت، به یک معنا بدترین ظهور سیاسی و انتخاباتی‌اش را داشت و نتوانست از فرصت‌هایی که برایش پیش می‌آمد یا امکانات بالقوه‌ای که برای کمپین انتخاباتی‌اش وجود داشت به نحو مطلوبی استفاده کند. به نظر من اگر مشورت خیلی دقیق‌ی به ایشان داده می‌شد ایشان کاراکتر لازم را برای عمل به آن مشورت‌ها داشت، برخی از نامزدها همی که در رقابت او بودند دراند چهار دقیقه پنج دقیقه‌ای می‌شد نسبت‌شان را با آنها شفاف و از دور رقابت خارج کنند و بتوانند چیزی که ما به آن می‌گوییم «آن انتخابات» را شکل دهند. ولی این اتفاق برای پزشکیان رخ نداد. شما همین وقت پایانی ایشان در آخرین مناظره و ببینید. بسیار بسیار بد از این وقت استفاده کرد. درواقع یک جور انزوا کشان بود. این یک فرصت طلایی بود و ایشان آخرین نفر در مناظرات بود و می‌توانست‌نتبست‌های دقیق‌تر فضایی سیاسی و انتخاباتی درست کند که استفاده نکرد.

قالبیاف چهره متوسطی در انتخابات داشت، یعنی استراژی عدم تنش و کنترل تنش داشت. ایشان خودش را از طریق کارنامه، تجربه‌ای و توانایی‌های عملی و اعتمادی که مردم به کارنامه و تجربه او در مسئولیت‌های گذشته داشتند معرفی کرد. بنابراین با هیچ یک از کاندیدها وارد تنش نشد و همین گفتار آخرش در این مناظره آخر دوگانه‌ای را مطرح کرد تحت عنوان «تنش و گشایش» که مثلاً من مساله‌ام تنش نیست. ما باید دنبال گشایش باشیم و به این معنا کاندیدای متوسطی بود که ظرفیت‌های خودش را در واقع در این اکتندل تنش‌ام دید. پورمحمدی که به نظر من شبیه به لاریجانی پیش‌انتخابات بود. تصویری غیرواقعی از او در فضای مجازی بر ساخت می‌شد که نشان دهد کاراکتری

جذاب است اما سب‌داری در حدود۱ درصدی پیدا کرد. او مزیت پیشین خود را قمار کرد و نسخه ضعیف‌تر آقای روحانی بود. بنابراین هزینه‌ای که برای ایشان ایجاد می‌شود این است که آن مزیت‌های که در واقعیت پیشین خودش داشت را هم در فضای انتخابات قمار می‌کند. به‌نظرم ایشان در تور مشورت‌های تکنیکی استفاده بود و شبیه‌سازی که از او شد شبیه به روحانی خیلی ضعیف بود، یعنی نسخه ضعیف‌تر روحانی بود. اتفاقاً بدترین تصویر در این انتخابات شبیه‌شدن به روحانی بود که حتی پزشکیان هم در این مناظره پنجم به کلی از روحانی تبری جست و حتی گفت بخش‌هایی از ستاد‌های من از اعضای ستاد‌های رئیس‌ هستند، یعنی حاضر شد بگوید بخشی از ستاد من یا کمپین انتخاباتی من کسانی هستند که قبلاً ستاد رئیس‌ای را ده می‌کردند و آن طرف را درواقع کنار گذاشت. صورت قالب جلیلی در مناظرات، صورت کارشناسی بود که ادبیات تهییجی یا ادبیات بسیج‌کننده اجتماعی ندارد و چندان نمی‌تواند نقطه تمایز ایجاد کند غیر از مناظره چهارم که چهره متفاوتی داشت و درواقع توانست یک کاراکتر سیاسی از خودش بروز دهد. بهترین بخش جلیلی در مناظره دو کل این فضای تبلیغاتی و انتخاباتی در مناظره چهارم بود که به نظر من مقدم‌اش هم پورمحمدی فراهم کرد و زمینه استفاده‌اش را جلیلی برد.

قاضی‌زاده‌هاشمی که به نظر من با اینکه در کورس رقابت نیستی از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی زیاد جدی گرفته نمی‌شود اما بیشتر از دیگران در شکل گرفتن نقطه نزاع انتخاباتی سهم داشت ولی اینکه نقطه نزاع انتخابات درواقع به تدریج قوی و برجسته و در مناظرات‌های چهارم و پنجم نیرومند شد. قاضی‌زاده سهم زیادی در این کار داشت و تا آخر این حالت را حفظ کرد که دوگانه‌ای از شکل دهد و خودش را نماینده انحصاری و مدافع تمام عیار رئیس‌ی و دولت‌ایشان نشان بدهد و رقبای خود مخصوصاً آقایان پزشکیان و پورمحمدی را دراستر با راباز تولید دولت روحانی قرار بدهد. رزاتی کاراکتری داشت که در کاراکتر مناظره اولش یک کارشناس شده بود ولی در کاراکتر‌های مناظرات بعدی همان کاراکتر نه‌اجمی را که همیشه داشت، تکرار کرد و امکان ظرفیت اجتماعی لازم و به‌در بخوری پیدا نکرد.

**در گفت‌وگوهای قبلی در ارتباط با نقطه نزاع صحبت کردیم. گفتیم اگر قرار باشد مناظره شورو حرارتی داشته باشد و بخواهد به کارکرد اصلی خودش نزدیک شود، باید نقطه نزاعی وجود داشته باشد. این نقطه نزاع را در گفت‌وگوی قبلی اشاره کردید دولت سوم روحانی یا دولت آقای رئیس‌ی، یعنی روی این دوگانه نقطه نزاعی شکل گرفت و استمرار هم پیدا کرد. البته در گوشه‌و کنار مناظره دوگانه‌های دیگری هم طرح شد، مثلاً بعد مناظره چهارم در فضای مجازی بحث ارتباط با آمریکا و برجام و دوگانه‌های ایجنسیی هم طرح شده بود. درباره این نقطه نزاع صحبت کنیم؛ آیا آنگونه که مدنظر بود شکل گرفت؟**

مجموعه‌کمپین‌ها نتوانستند آن ظرفیت اصلی با فوق‌العاده‌اش را برای دادن به نقطه نزاع پیش‌ببرند. ولی چیزی که به‌طور نسبی شکل گرفت که نمی‌خواهم بگویم لزوماً خیلی از پیش فکر شده بود ولی به تدریج ظهور و بروز کرد و در مناظرات چهارم و پنجم خیلی فضای مناظره را پر کرد، این بود که نزاع اصلی در این انتخابات بین استمرار دولت آقای رئیس‌ی یا احیا و بازتولید دولت روحانی است. به این معنا که بعضی از افراد حتی مثل پورمحمدی در جناح روحانی تعریف می‌شدند و می‌توانستند کارنشار بگلزاند و مسئولیت را قبول نکنند، بنابراین به پیشینه خودشان به دولت احمدی‌نژاد در دولت‌های نهم و دهم اشاره می‌کردند. برای من خیلی جالب و مخالف انتظار بود که پزشکیان به‌صراحت هرگونه ارتباط و وابستگی حتی در سطح ستاد‌ها با روحانی را منکر شود و برعکس بگوید اصلاً بخشی از ستاد من از ستاد آقای رئیس‌ی هستند، بنابراین به شکل نسبی می‌توانیم چنین نقطه نزاعی را ببینیم.

**از روز اول خصوصاً قبل از اولین مناظره دنبال شگفتی بودیم. حالا بعد از تأیید صلاحیت‌ها گفتیم شاید شگفتی رخ بدهد. الان فکر می‌کنم دوسه روز مانده تا انتخابات می‌توانیم انتظار شگفتی داشته باشیم؟**

وقتی انتخابات‌ها وارد منازعات سیاسی انتخاباتی می‌شود، همین‌طور که فرآیندها

طی می‌شوند، گزاره‌ها به صحنه می‌آیند و اکت‌ها انجام می‌شود. ما چیزی داریم به نام «آن انتخابات»؛ لحظه‌ای فرامی‌رسد که آن لحظه تعیین‌کننده است و همه مناسبات انتخاباتی را به قبل یا بعد از خودش تقسیم می‌کند. مثلاً در سال ۸۴ آن انتخابات در آن گزاره بود که احمدی‌نژاد گفت انگار من وارد منطقه متنوعه قدرت شدم. این درواقع آن انتخابات بود که فضای کلی انتخابات را به قبل و بعد خودش تقسیم کرد. در ۸۸ وقتی احمدی‌نژاد در مناظره اول خطاب به موسوی گفت من در رقابت با شما نیستم، من در رقابت با آقای هاشمی هستم یا در رقابت با سه دولت هستم و شما نماینده آقای هاشمی هستید، آنجا آن انتخابات، انتخابات بین احمدی‌نژاد و هاشمی است. در سال ۹۲ آن انتخابات در مناظره سوم در آن رفت و برگشتی بود که بین روحانی و قالبیاف انجام شد. در ۹۶ در آن زمانه آخری که روحانی صحبت کرد، خطاب به آقایان رئیس‌ی و قالبیاف شکل گرفت و در ۱۴۰۰ در مناظره اول آنجا که آقای رئیس‌ی گفت اگر بانو همین‌ها بودند که در آنجا مشکلات مردم را حل کنید، اشکال ندارد. آنجا فضای کلی برای انتخابات ساخت که دیگر فضای آقای رئیس‌ی را تا پایان انتخابات تثبیت کرد. اما در آن انتخابات ۱۴۰۳ آن انتخابات شکل نگرفته است. یکی دل‌دلیلی که مامی‌گوییم مناظرات کار نکرده برای این است که بیشترین امکان و ظرفیت در مناظرات وجود دارد که بشود به وسیله آن انتخابات را شکل داد. هنوز آن انتخابات در آنجا شکل نگرفته، بنابراین بخشی از آرای‌لی که به آن آرای مردم می‌گوییم، هنوز تصمیم نگرفته‌اند مشارکت کنند تا تصمیم نگرفتند به چه کسی رای بدهند. این‌ها کی تعیین‌کنیلی می‌شوند؟ زمانی که آن انتخابات شکل بگیرد، چون آن انتخابات شکل نگرفته الان آرای مردم‌ها هم به‌نظرم به قوت خودش باقی است.

**تلاش‌هایی هم که در این رفت و برگشت‌های دو نفره صورت گرفت که چندان جدی نبود و حتی اشتباه هم زیاد داشت، یعنی امروز مثلاً پزشکیان به ماجرای فیلترینگ اشاره کرد و جهرمی توبیتی زد و ادعای پزشکیان را رد کرد.**

خطای گفتاری در این مناظرات در کاندید‌ها زیاد بود و هر کدام‌شان به شکلی این خطای گفتاری را داشتند، یعنی کاراکتر لازم را برای آن انتظاراتی که شما از رئیس‌جمهور داشتید شاید برآورده نشده است.

**یکی از پرساله‌ترین امکان‌های که در این انتخابات ناظر به تجربیات گذشته وجود دارد مساله ائتلاف است. مشخصاً در جریان موسوم به جریان انقلابی بین جلیلی، قالبیاف، زاکانی و قاضی‌زاده که آیا امکان ائتلافی وجود دارد یا خیر؟**

وقتی انتخابات وارد این فضا‌های می‌شود، یعنی مناظرات گذشته، کار‌های تبلیغاتی انجام شده و انتخاباتی انجام شده و ظرفیت کمپین‌ها دیگر به این اندازه رسیده و هر چه که می‌خواست در فضای کلان انتخابات شکل گرفته، بنابراین دیگر آنچه مهم هست تکنیک‌های سیاسی است. یکی از تکنیک‌های مهم که می‌تواند سازمان‌رای شمارا جلب‌جا کند و در نتایج تاثیر بگذارد، ائتلاف هاست. الان در آن جناح پزشکیان و پورمحمدی، پورمحمدی که درواقع ونبه‌ای ندارد که پزشکیان برایش کنار بیود. پورمحمدی هم رایبی ندارد که کناررفتست حتی آن یک درصد آرا هم به پزشکان داده بشود. اما در این طرف دو کاندید‌ای مهم هستند؛ جلیلی و قالبیاف. این‌ها آرای نزدیک به هم دارند. از این مشارکت ۵۰ درصدی پزشکیان، جلیلی و قالبیاف متوسط هر کدام یک چهارم آرا را یا یک درصد بالاتر یا پایین‌تر دارند و یک بخش هم هنوز آرایشان تعیین‌تکلیف نشده. بنابراین جلیلی و قالبیاف نزدیک ۵۰ درصد آرا را دارند. قاضی‌زاده هم پنج‌شصت درصد آرا را در آنجا می‌دهد و سه درصد آرا را دارد که البته این دو درصد و یک درصد خیلی مهم است. برای هر یک درصد حدود ۶۰۰ هزار رای وجود دارد، یعنی شش تا هاستاد بیوم آزادی جمعیت می‌خواهد که بشود یک درصد رای. این‌ها زمینه ائتلاف دارند، یعنی می‌توانند از آن تکنیک برای بهتر کردن وضعیت خودشان در انتخابات استفاده کنند. اینجا بحثی نیست وجود دارد که کنار رفتن چه کسی می‌تواند وضعیت را بهتر کند چون بخشی از آرای جلیلی و قالبیاف مشترک

# فره‌یختگان

# روز

چهارشنبه ۶ تیر ۱۴۰۳

شماره ۴۱۷۰

www.fdn.ir

FARHIKHTEGANDAILY

# روز